

حوزه‌های اختلاف میان بریتانیا و روسیه

علیرضا ثمودی پبله‌رود^۱

با وجود قرن‌ها تاریخ مشترک، حضور در شورای امنیت و کنشگری به عنوان یک قدرت بزرگ و ائتلاف در برخی بحران‌های بین‌المللی از جمله همکاری در جنگ‌های ناپلئون و همکاری راهبردی در جنگ جهانی دوم از زمان پایان جنگ سرد به این سو هیچ یک از دو کشور بریتانیا و روسیه، دیگری را به عنوان اولویت در نظر نگرفته است و روابط دو طرف بیشتر در چارچوب مناسبات میان روسیه و اتحادیه اروپا و ناتو تنظیم می‌شود. در این میان، پندار دو طرف از یکدیگر در چارچوب رقابت و ستیزه شکل گرفته است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ژوئن ۲۰۱۶ نیز یکی از محورهای چالش برانگیز در روابط دو کشور بوده است. هم‌اکنون روابط دیپلماتیک دو جانبه میان بریتانیا و روسیه از زمان پایان جنگ سرد به این سو در پایین‌ترین سطح ممکن خود قرار دارد. پرسش اصلی مقاله عبارت است از: «مولفه‌های موثر بر بروز اختلاف میان بریتانیا و فدراسیون روسیه چگونه قابل تحلیل است؟» فرضیه مطرح شده نیز عبارت است از تفاوت در نگاه به نظم بین‌الملل پس از جنگ سرد، جنگ هیبریدی روسیه در بریتانیا و تلاش برای تاثیرگذاری بر همه‌پرسی سال ۲۰۱۶، بحران اوکراین و منضم شدن کریمه به روسیه، قتل اتباع روس در بریتانیا و تفاوت رویکرد در بحران سوریه، موجب شکل‌گیری پندار تهدید از یکدیگر، بروز اختلاف میان لندن و مسکو و کاهش سطح روابط دوجانبه شده است. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است.

واژگان کلیدی: برگزیت، جنگ هیبریدی، بحران اوکراین، فدراسیون روسیه، بریتانیا و بحران سوریه.

مقدمه

بریتانیا پس از جنگ جهانی دوم بر خلاف آلمان و فرانسه نتوانست نقشی محوری در همگرایی اروپایی ایفا کند. رابطه ویژه بریتانیا با ایالات متحده و اعتقاد آن به آتلانتیک‌گرایی سنتی نیز مانع شکل‌گیری و توسعه هویت اروپایی بریتانیا شد و در نهایت هم در خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ تأثیرگذار بود. اگرچه خروج بریتانیا موجب تقویت تعهدات این کنشگر به جامعه امنیتی آتلانتیک شده است، اما با این حال، دونالد ترامپ در مقایسه با روسای جمهور پیشین آمریکا، تمایل یا تعهد چندانی به این رابطه ویژه ندارد. از سوی دیگر، هر چند روسیه کشوری اروپایی محسوب می‌شود، اما در همگرایی اروپایی مشارکت ندارد. اگرچه در نگاه اول می‌توان گفت که بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا به دنبال آن است تا نقش جهانی خود را به عنوان یک کنشگر تأثیرگذار حفظ کند، و این امر می‌تواند به بهبود روابط لندن-مسکو کمک کند، اما با توجه به اینکه آتلانتیک‌گرایی اولویت لندن در دوره پیش رو است، نمی‌توان امید چندانی بر گسترش روابط دو طرف داشت.

این امکان نیز وجود دارد که با توجه به عدم حضور بریتانیا در ساختارهای تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا، لندن تمایل به حفظ و حتی تشدید رویه‌های کنونی و تشدید مواضع ایدئولوژیک خود داشته باشد. هم‌اکنون روابط دیپلماتیک دوجانبه میان بریتانیا و روسیه از زمان پایان جنگ سرد به این سو در پایین‌ترین سطح ممکن خود قرار دارد. این سردی روابط نتیجه مجموعه‌ای از اختلاف‌ها و بحران‌ها از جمله قتل اتباع روس در بریتانیا به ویژه حمله سالیسبوری^۱، جنگ میان روسیه و گرجستان در سال ۲۰۰۸، حمله‌های سایبری^۲ و تهدیدهای هیبریدی^۳ روسیه، منضم شدن کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ و ستیزه در شرق اوکراین، مداخله روسیه در جنگ سوریه و تلاش‌های روسیه برای مداخله در انتخابات کشورهای اروپایی از جمله حوزه‌های اختلاف میان روسیه و بریتانیا است.

عوامل مختلفی در سردی روابط میان مسکو و لندن اثرگذار بوده است و دو کشور در موضوع‌های مختلف با یکدیگر اختلاف نظر دارند. با توجه به موضوع‌های مطرح شده، پرسش اصلی مقاله عبارت است از «مولفه‌های موثر بر بروز اختلاف میان بریتانیا و فدراسیون

^۱. Salisbury

^۲. Cyber Attacks

^۳. Hybrid Threats

روسیه، چگونه قابل تحلیل است؟» فرضیه مطرح شده نیز عبارت است از تفاوت در نگاه به نظم بین‌الملل پس از جنگ سرد، جنگ هیبریدی روسیه در بریتانیا و تلاش برای تاثیرگذاری بر همه‌پرسی سال ۲۰۱۶، بحران اوکراین و منضم شدن کریمه به روسیه، قتل اتباع روس در بریتانیا و تفاوت رویکرد در بحران سوریه، موجب شکل‌گیری پندار تهدید از یکدیگر، بروز اختلاف میان لندن و مسکو و کاهش سطح روابط دوجانبه شده است. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است.

چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی به همراه همه تقسیم‌بندی‌ها و شاخه‌های آن بر موارد مهمی از جمله پیامدهای آنارشی بین‌المللی^۱ و اهمیت قدرت تاکید می‌کند. واقع‌گرایان معتقد هستند که به واسطه نبود حکومت جهانی و وجود حاکمیت دولت‌ها، سیاست بین‌الملل آنارشیک است و این امر نه به معنای هرج و مرج، بلکه به معنای نبود نظم مرکزی تعبیر می‌شود. واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایان بقا را به عنوان نخستین هدف دولت در محیط نبود اقتدار مرکزی می‌پذیرند. این نخستین هدف دولت در روابط بین‌الملل است و تنها راه تضمین امنیت، افزایش قدرت می‌باشد. همچنین روابط بین‌الملل از طریق توزیع قدرت میان دولت‌ها (قدرت‌های بزرگ) فهمیده می‌شود. با وجود برابری رسمی و قانونی (حاکمیت برابر)، توزیع نابرابر قدرت به معنای آنکه حوزه روابط بین‌الملل شکلی از سیاست قدرت است. سنجش و اندازه‌گیری قدرت بسیار دشوار است؛ توزیع قدرت میان دولت‌ها در حال تغییر می‌باشد و توافقی میان دولت‌ها در ارتباط با چگونگی توزیع قدرت وجود ندارد. «نظریه سیاست بین‌الملل^۲» کنت والتز^۳ به نوعی موجب تغییر شکل نظریه واقع‌گرایی شد. در واقع، والتز کانون و محور تبیین و تشریح را از اهمیت دولت‌ها به محیط بین‌المللی که دولت‌ها با آن روبه‌رو هستند، تغییر داد. والتز با یک مفروض ساده و حداقلی شروع می‌کند که اولویت اول همه دولت‌ها حفظ و بقای خود است، هرچند ممکن است این دولت‌ها اهداف دیگر نیز در سر داشته باشند. از سوی دیگر، ما می‌توانیم با تمرکز صرف بر انگیزه بقا با تعاملات میان دولت‌ها آشنا شویم (Mearsheimer, 2009: 242).

¹. International Anarchy

². Theory of International Politics

³. Kenneth Waltz

نواقح گرایي یا واقع گرایي ساختاری^۱ را نخستین بار کنت والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل ارائه داد. نواقح گرایي به اصول و مفروضه‌های محوری واقع‌گرایي کلاسیک مانند دولت‌محوری^۲، قدرت‌محوری^۳، موازنه قوا^۴، آنارشی یا وضع طبیعی بین‌المللی و یکپارچگی و عقلانیت کشورها وفادار است. اما با وجود این، نواقح گرایي از چند جهت از واقع‌گرایي کلاسیک متمایز می‌شود که آن را به صورت نظریه‌ای متفاوت و مستقل در می‌آورد. نظریه نواقح گرایي، سیستم را به عنوان سطح تحلیل خود قرار می‌دهد و در مورد رابطه سیستم یا ساختار با واحدها معتقد است که واحدها و اجزای نظام بین‌الملل تابع قید و بندها و سازوکارهای تعیین‌کننده ساختاری نظام بین‌الملل است. کنت والتز معتقد است که ساختار بین‌الملل عامل شکل‌گیری رقابت میان دولت‌های امنیت‌طلب^۵ است. فشارها و مشوق‌های ایجاد شده از سوی نظام بین‌الملل تا حدود بسیار زیادی منافع نهفته در همکاری میان دولت‌ها را محدود می‌کند. والتز همچنین این گونه استدلال می‌کند که دولت‌ها نسبت به اهمیت محدود شدن قدرت‌طلبی خود آگاهی و اشراف دارند. با این حال، نظریه ارائه شده از سوی کنت والتز بیشتر بر ساختار نظام بین‌الملل و توزیع قدرت موجود در آن - نه دولت و ترجیح‌های سیاسی داخلی - تاکید می‌کند. در واقع، واقع‌گرایي ساختاری روابط بین‌الملل را در سطح ساختار نظام بین‌الملل تحلیل می‌کند و ساختار نظام بین‌الملل را عامل اصلی تعیین‌کننده رفتار دولت در عرصه نظام بین‌الملل است. نظریه نواقح گرایي به تبیین این موضوع می‌پردازد که نیروهای بیرونی چگونه رفتار یک دولت را شکل می‌دهد (Waltz, 2004: 3).

در همین ارتباط، می‌توان گفت، سیاست خارجی روسیه بازتاب‌دهنده بیشتر مفروض‌های واقع‌گرایي است. سرشت آنارشیک نظام بین‌الملل، نشان‌دهنده ویژگی خودیاری سیاست خارجی هر دولت است که باید بر توانمندی‌های داخلی خود تکیه کند. در همین راستا، بی‌اعتمادی به بازیگران بین‌المللی و اعلام این موضوع که منافع مشروع روسیه مورد تهدید واقع شده به بخش مهمی از سیاست خارجی مسکو تبدیل شده است. در مورد روسیه باید گفت، سیاست خارجی این کشور ترکیبی پیچیده از نوستالژی امپریالیستی دوره شوروی است در عین حال که پندار این

¹. Structural Realism

². State-Centrism

³. Power-Centrism

⁴. Balance of Power

⁵. Security Seeking States

کشور پس از پایان جنگ سرد، افول جایگاه بین‌المللی خود است. سنت برخورداری از یک حکومت مرکزی قدرتمند و هژمونی روسیه در روابط خود با همسایگان، همچنان در سیاست‌های کنونی روسیه قابل مشاهده است (Wieclawski, 2011:174). سیاست خارجی روسیه از دیرباز بازتاب‌دهنده مفروض‌های اصلی واقع‌گرایی ساختاری بوده است و بر اصولی همچون منافع دولت و قدرت به ویژه توانمندی‌های نظامی استوار است. همچنین بررسی تاریخ اتحاد جماهیر شوروی/روسیه نیز نشان می‌دهد که بقا در نظام بین‌الملل، مسکو را ترغیب می‌کند تا به دنبال بیشینه‌سازی قدرت خود باشند. همچنین مزیت نسبی روسیه در برابر همسایگان خود موجب شده است، روسیه به دنبال گسترش سرزمینی خود باشد؛ موضوعی که در بحران اوکراین به خوبی خود را نشان داد.

پندار روسیه و بریتانیا از یکدیگر

روسیه پس از تحولات دهه ۹۰ میلادی بار دیگر در صدد کسب جایگاه ابرقدرتی پس از دوران دشوار پایان جنگ سرد برآمد. به همین دلیل نیز در سال‌های اخیر به شدت به دنبال همگرایی بیشتر در منطقه اوراسیا و مقابله با نفوذ غرب در حوزه نفوذ خود بوده است. اندرو موناگان^۱ از کارشناسان اندیشکده چتم هاوس^۲ در این مورد می‌گوید، «هدف اصلی روسیه در عرصه بین‌المللی تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت فراگیر است. به این معنا که در تمام مناطق و تمام حوزه‌ها حضور داشته باشد. از این رو، روسیه به دنبال تحقق چند هدف است. نخست، رهبران روسیه به دنبال معرفی خود به عنوان یک دولت مستقل برخوردار از حاکمیت خاص خود هستند؛ بدین معنا که روسیه خود را آماده بی‌ثباتی‌های قرن بیست و یکم کرده است. دوم، ساختار نظام بین‌الملل دچار تغییر و تحول شده است و ساختارهای شکل گرفته پس از جنگ جهانی دوم از جمله برتن‌وودز^۳، ناتو، اتحادیه اروپا، معنا و جایگاه خود را از دست داده‌اند. سوم، مقابله با انقلاب‌های رنگی و تغییر رژیم و همچنین افزایش عملیات‌ها در مناطقی همچون سوریه (HCFAC, 2017:20-21).

¹. Andrew Monaghan

². Chatham House

³. Bretton Woods

از منظر روسیه، بریتانیا منافع ملی و دغدغه‌های امنیتی مسکو را نادیده می‌گیرد و سیاست‌های لندن در چارچوب تعهدات این کشور به نظم بین‌المللی آمریکایی شکل می‌گیرد. روسیه نظام بین‌المللی آتلانتیک محور را به خاطر در پیش گرفتن استانداردهای دوگانه محکوم می‌کند. در مفهوم سیاست خارجی روسیه^۱ در سال ۲۰۱۳، بریتانیا به عنوان کشوری معرفی شده بود که روسیه می‌تواند، روابط متقابل را افزایش دهد. اما در سال ۲۰۱۶، بریتانیا حذف شد و در مقابل، روابط میان آلمان، فرانسه، ایتالیا و سایر دولت‌های اروپای مورد اشاره قرار گرفته بود (Lain, 2017). حتی پیش از بحران اوکراین روابط دو جانبه دچار مشکل شده بود. قتل الکساندر لیتویننکو^۲ توسط دو شهروند روس در سال ۲۰۰۶ با استفاده از مواد رادیواکتیو پلوتونیوم ۲۱۰ موجب شکل‌گیری تنش در روابط لندن و مسکو شد. در مقابل، پندار از روسیه در بریتانیا تحت تاثیر رسانه‌های این کشور شکل گرفته است. امروزه رسانه‌های گروهی به عنوان یکی از نهادهای مهم اجتماعی به ابزاری برای انتقال سریع و پر حجم اطلاعات و تصویرسازی تبدیل شده‌اند. در خصوص نحوه به تصویر کشیده شدن روسیه در بریتانیا نیز می‌توان گفت که رویدادهای درونی روسیه به نحوی در بریتانیا منعکس می‌شود که تصویری از یک دولت ضعیف و دچار بحران شکل بگیرد. بررسی‌های انجام شده از محتوای مقاله‌های روزنامه‌هایی همچون تایمز^۳، گاردین^۴ ایندپندنت^۵، فایننشال تایمز^۶، اکونومیست^۷، آبزور^۸، ساندی تایمز^۹ نشان می‌دهد که هدف رسانه‌های بریتانیایی تثبیت وجود بحران در روسیه و تضعیف قدرت پوتین است. در واقع این رسانه‌ها در تیرهای خود به دنبال نشان دادن این موضوع هستند که روسیه به دلیل بحران اقتصادی نمی‌تواند نفوذ خود را حفظ کند. به عنوان مثال، تیرهایی همچون «روبل بیش از ۳۰ درصد ارزش خود را در برابر دلار از دست داده است» (اکونومیست ۱۹ فوریه ۲۰۰۹)، «روبل در ۶ ماه اول ۴۰ درصد ارزش خود را از دست داده است» (تایمز ۵ فوریه ۲۰۰۹)، «کرم‌لین بیش از ۲۰۰ میلیارد از ذخایر خود را برای

^۱. Russia's Foreign Policy Concept

^۲. Alexander Litvinenko

^۳. Times

^۴. Guardian

^۵. Independent

^۶. Financial Times

^۷. Economist

^۸. Observer

^۹. Sunday Times

جبران کاهش ارزش روبل هزینه کرده است» (اکنونمیست ۱۹ فوریه ۲۰۰۹) همگی نشان‌دهنده تلاش رسانه‌های بریتانیایی برای نشان دادن شرایط بحرانی در روسیه است (Telesheva and Denisora, 2015: 1028).

هدف از این اقدام، نشان دادن ضعف دولت روسیه در شرایط کنونی است و اینکه روسیه فعلی در مقایسه با اتحاد جماهیر شوروی قدرت چندانی ندارد. در مجموع، می‌توان گفت رسانه‌های بریتانیایی چند موضوع را در مورد روسیه در پیش گرفته‌اند. نخست اینکه یک سری نویسندگان مشخص موضوع‌ها و حتی گاه مقاله‌های مشابهی را در مورد روسیه می‌نویسند. دوم، آمارها نشان می‌دهد ۸۵ درصد داده‌ها در مورد روسیه این‌پندار را شکل می‌دهد که روسیه کشوری است با پیشینه نفرت‌انگیز، کثیف، و سرما و خرس (Telesheva and Denisova, 2015: 1030) سوم اینکه، تأکید بسیاری بر این می‌شود که روسیه فعلی نمی‌تواند از گذشته نامطلوب خود فاصله بگیرد.

در نخستین راهبرد امنیت ملی بریتانیا^۱ در سال ۲۰۰۸ در چند بخش به روسیه اشاره می‌شود. گفتگوهای خلع سلاح هسته‌ای میان روسیه و آمریکا و ضرورت تعامل با روسیه در مورد دفاع موشکی و ایران از جمله موارد اشاره شده در این سند است. در سند راهبردی سال ۲۰۰۹ افزون بر اشاره به جنگ آگوست ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان به نقش روسیه در تامین امنیت انرژی اروپا نیز اشاره شده بود، اما روسیه به عنوان تهدید مطرح نشده بود. در راهبرد سال ۲۰۱۰ نیز به هیچ عنوان به موضوع روسیه اشاره نشده است. با این حال، سند راهبرد اهمیت ملی بریتانیا در سال ۲۰۱۵ به موضوع رقابت میان روسیه و غرب در سازمان‌های بین‌المللی قاعده محور اشاره می‌شود. در این متن، بیشتر از ۲۰ بار به روسیه اشاره شده است. در این سند، روسیه کنشگری تهاجمی و استبدادی مطرح شده است (German, 2017:3). همچنین در این راهبرد بر تضمین محافظت از متحدان بریتانیا در قبال تهدیدهای روسیه تأکید شده است. در این سند ارتباط، ناتو نقش مهمی در سیاست‌های بریتانیا در قبال روسیه ایفا می‌کند. در این سند همچنین بر اهمیت ناتو در سیاست‌های دفاع ملی بریتانیا تأکید شده است و این سازمان به عنوان کارآمدترین و قوی‌ترین ائتلاف نظامی در جهان معرفی شده است که اساس دفاع ملی بریتانیا و ثبات در منطقه یورو-آتلانتیک را در هفت دهه گذشته تشکیل داده است.

¹. UK's National National Security Strategy

موضع گیری روسیه در قبال برگزیت و احزاب بریتانیایی

به هنگام برگزاری همه‌پرسی خروج بریتانیا این نگاه وجود داشت که روسیه در کنار دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا از حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه است زیرا خروج بریتانیا می‌توانست موجب بروز اختلاف در میان اعضای اتحادیه اروپا و شکاف در همگرایی اروپایی شود. در این میان، فیلیپ هاموند^۱، وزیر خارجه وقت بریتانیا در مارس ۲۰۱۶ اعلام کرد که روسیه تنها قدرت بزرگ اروپایی است که از خروج بریتانیا حمایت می‌کند. در واقع این قبیل اظهارنظرها به خوبی بیانگر سرشت روابط میان لندن - مسکو است؛ اینکه روسیه به عنوان تهدید منافع ملی بریتانیا ترسیم می‌شود و در مقابل مسکو نیز معتقد است نوعی روسیه‌هراسی در بریتانیا در جریان است. تاکید بر تهدید روسیه در جریان برگزاری همه‌پرسی خروج بریتانیا، نشان می‌دهد که هم‌اکنون هیچ اعتمادی میان دو طرف در سطح رسمی وجود ندارد. هر چند مسکو یک موضع بی‌طرفانه در هنگام برگزاری همه‌پرسی در پیش گرفته بود، برخی از سیاستمداران و مفسران روسی از پویش خروج حمایت می‌کردند. وزرا و دانشگاهیان نیز موضع بینابینی در پیش گرفته بودند. به عنوان نمونه، الکسی گرومیکو^۲، مدیر موسسه اروپا^۳ به این موضوع اشاره می‌کند که این وسوسه وجود دارد تا از برگزیت حمایت کنیم، زیرا می‌تواند پیامدهای مخربی بر گروه‌بندی‌ها یا کشورهایایی داشته باشد که به دنبال آسیب‌رساندن به روسیه هستند (Gromyko, 2017: 3).

البته، بریتانیا روسیه را به انجام حمله‌های سایبری از جمله مداخله در همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه در سال ۲۰۱۶ متهم کرده است. لندن این ادعا را مطرح می‌کند که رسانه‌های اجتماعی حامی کرملین، شهروندان بریتانیایی را با پست‌های خبری مختلف بمباران و آنها را به خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تشویق می‌کردند. پژوهشگران دانشگاه سوآنسی^۴ و دانشگاه کالیفرنیا در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که در روز برگزاری همه‌پرسی، ۱۵۰ هزار توئیت از طرف روس‌ها انجام شده بود (Ilina, 2018). از منظر روسیه، با توجه به خروج بریتانیا و تضعیف احتمالی همگرایی اروپایی، ناتو نیز تضعیف می‌شود و

¹. Philip Hammond

². Alexei Gromyko

³. Institute of Europe

⁴. Swansea

مسکو می‌تواند در موضوع‌ها و مسائل اروپایی نقش پررنگ‌تری ایفا کند. الکسی پوشکف^۱، رئیس کمیته امور خارجی دوما و سرگئی اوتکین^۲ به این موضوع اشاره می‌کنند که بریتانیا پس از خروج از اتحادیه اروپا به دنبال یافتن دوستان جدید خواهد بود و روسیه نیز با آغوش باز از این فرصت استقبال خواهد کرد (Nixey, 2016). همزمان و هم‌راستا با مواضع روسیه در قبال برگزیت^۳، رویکرد احزاب بریتانیایی به برگزیت و روسیه نیز حائز اهمیت است. در میان احزاب بریتانیایی، حزب استقلال و حزب ملی بریتانیا نگاه مثبتی به برقراری روابط با روسیه دارند.

به عنوان نمونه، نایجل فاراژ^۴، رهبر حزب استقلال بریتانیا^۵ از مواضع روسیه در اوکراین و سوریه حمایت می‌کند. بررسی سوابق رای‌دهی اعضای حزب استقلال در پارلمان اروپا نشان می‌دهد که اعضای این حزب از ضمیمه شدن کریمه به روسیه حمایت می‌کنند. احزاب دیگری همچون جبهه ملی^۶ فرانسه و جوبیک^۷ مجارستان نیز از این اقدام روسیه حمایت می‌کنند. اعضای حزب استقلال همچنین از اقدام‌های اتحادیه اروپا در قبال بحران اوکراین انتقاد می‌کنند و از حق روسیه برای مداخله در خارج نزدیک^۸ حمایت می‌کنند. نایجل فاراژ همچنین از رژیم تحریم‌های اتحادیه بر ضد روسیه انتقاد کرده است و از مواضع روسیه در اوکراین و سوریه حمایت می‌کند و به طور علنی از رئیس جمهور روسیه تمجید می‌کند (Polyakova et al, 2016:18). فاراژ همچنین، بارها در شبکه راشا تودی حضور پیدا کرده است. حزب دست راستی ملی بریتانیا^۹ نیز به صراحت از سیاست‌های روسیه حمایت می‌کند، اما با توجه به جایگاه حاشیه‌ای آن این مواضع چندان پوشش داده نمی‌شود. نیک گریفین^{۱۰}، رهبر پیشین حزب ملی بریتانیا در جمع ملی‌گرایان روسی در سال ۲۰۱۵ گفت، «هر ملت اروپایی در یک مقطع زمانی بر اروپا و در واقع بر جهان رهبری کرده است؛

¹. Alexy Pushkov

². Sergei Utkin

³. Brexit

⁴. Nigel Farage

⁵. UKIP

⁶. National Front

⁷. Jobbik

⁸. Near Abroad

⁹. British National Party

¹⁰. Nick Griffin

یونانی‌ها، رومی‌ها و اسپانیایی‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها و بریتانیایی‌ها. تمام ملت‌های بزرگ به جز روسیه، هم اکنون نوبت تاریخی روسیه فرا رسیده است» (Financial Times, 2015). جرمی کوربن^۱، رهبر حزب کارگر^۲ نیز که ضد اتحادیه اروپا است، نگاه چندان مثبتی به ناتو ندارد و نسبت به روسیه موضعی نرم دارد. در مقابل، روسیه نیز از کوربن حمایت می‌کند. زمانی که کوربن به رهبری حزب کارگر رسید، الکساندر یاکوونکو^۳ سفیر روسیه در بریتانیا اعلام کرد که کوربن «دارای برنامه‌ای دموکراتیک با هدف مقابله با مداخله‌های نظامی غرب و حمایت از خلع سلاح اتمی بریتانیا است و معتقد است که ناتو پا را فراتر از فلسفه وجودی خود گذاشته است» (Telegraph, 2015). روسیه در حزب محافظه‌کار بریتانیا نفوذ چندانی ندارد، با این حال برخی از اعضای این حزب در مجلس عوام انگلیس و همچنین افراد با نفوذ دیگری حضور دارند که با روسیه ارتباط‌هایی دارند. به عنوان مثال، دانیل کاوژینسکی^۴ که حامی عربستان سعودی نیز است در خصوص انجام تحقیقات در مورد قتل لیتوینکو اعلام کرد هزینه‌های انجام تحقیقات در خصوص این پرونده برای شهروندان بریتانیایی بیشتر است. کاوژینسکی همچنین خواستار همکاری بیشتر بریتانیا با روسیه در سوریه، کاهش تحریم‌ها بر ضد روسیه و افزایش همکاری‌ها در امور دفاعی است. وی نیز با شبکه راشا تودی^۵ همکاری می‌کند و در سفر خود به روسیه در مه ۲۰۱۶ از دولت بریتانیا به خاطر عدم تلاش برای داشتن روابط بهتر با روسیه انتقاد کرد (Russia Today, 2016). وی همچنین برای بهبود روابط با روسیه لابی‌های گسترده‌ای انجام می‌دهد. حزب محافظه‌کار در ژانویه ۲۰۱۶ مبلغ صد میلیون پوند از یکی از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت گروه اس‌ان‌اس^۶ دریافت کرد که مدیریت آن بر عهده اولگ اسمیرنوف^۷ است. شرکت اس‌ان‌اس یکی از شرکت‌های بزرگ روسی در حوزه تنباکو است. یکی دیگر از تامین‌کنندگان منابع مالی حزب محافظه‌کار دیمیتری فیرتاش^۸ از اولیگارش‌های اوکراینی است. وی در حوزه تجارت گاز میان روسیه و

^۱. Jeremy Corbyn

^۲. Labour Party

^۳. Alexander Yakovenko

^۴. Daniel Kawczynski

^۵. Russia Today

^۶. SNS Group

^۷. Oleg Smirnov

^۸. Dimitri Firtash

اوکراین فعالیت می‌کند و دارای پیوندهای قوی با مسکو است (Polyakova et al, 2016, 16). مواضع احزاب مهم بریتانیا در قبال برگزیت و روسیه در جدول زیر نشان داده شده است.

مواضع احزاب سیاسی بریتانیا در قبال روسیه و اتحادیه اروپا

نام حزب	حمایت از تحریم‌های روسیه	حمایت از ناتو	حمایت از برگزیت	تعداد کرسی‌ها
استقلال	x	✓	✓	۱
کارگر	✓	✓	متفاوت (هم بله هم خیر)	۲۳۰
محافظه کار	✓	✓	✓	۳۳۰
ملی بریتانیا	x	x	✓	۰

Source: Polyakova et al, 2016, 16

در ژوئن ۲۰۱۵ پارلمان اروپا به دنبال تصویب قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور در محکومیت موارد نقض حقوق بشر در روسیه بود. یکی از اهداف این اقدام، شفاف‌سازی کمک‌های مالی غیراروپایی به احزاب سیاسی با هدف متوقف ساختن سیاست‌های روسیه بود. اما حزب استقلال بریتانیا، جبهه ملی فرانسه و حزب جوبیک مجارستان و برخی احزاب افراطی کوچک‌تر با این قطعنامه مخالفت کردند. همچنین اتاق‌های فکر و سازمان‌های دیگری نیز از سیاست‌های روسیه حمایت می‌کنند. موسسه فرهنگی خانه پوشکین^۱ و یا موسسه دموکراسی و همکاری^۲ از این نهادها محسوب می‌شوند.

برگزیت عامل مهمی در تضعیف بریتانیا در نگاه روسیه شده است. نخست، پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، لندن از نهادی خارج می‌شود که سال‌ها یکی از سازمان‌های اصلی سیاست‌های ضدروسی بریتانیا بوده است. به عنوان مثال، بریتانیا از حامیان اصلی اعمال تحریم‌های ضدروسیه پس از بحران اوکراین است. دوم، خروج بریتانیا بسیار پیچیده و مناقشه‌برانگیز است و می‌تواند موجب ایجاد تنش در روابط لندن با بروکسل شود؛ موضوعی

¹. Pushkin House Cultural Institute

². Institute for Democracy and Cooperation

که می‌تواند نفوذ و جایگاه دیرین بریتانیا در اروپا را تضعیف کند. در نهایت، برگزیت موجب بروز اختلاف درونی در این کشور شده است، امری که می‌تواند در نهایت موجب ضعف خارجی بریتانیا شود. به عنوان مثال، دیمیتری پسکوف^۱ مسئول رسانه‌ای پوتین در سال ۲۰۱۳ در حاشیه اجلاس گروه بیست در سنت پترزبورگ به خبرنگاران اعلام کرد که بریتانیا تنها یک جزیره کوچک است که هیچ فردی به آن توجه نمی‌کند (Allan, 2017). این امر نشان می‌دهد که روسیه به بریتانیا به عنوان یک قدرت سطح دوم نگاه می‌کند و برگزیت این چالش را پررنگ‌تر ساخته است.

بحران‌های موجود در روابط بریتانیا-روسیه

روابط دو طرف به ویژه در یک دهه اخیر به ویژه پس از بحران اوکراین (۲۰۱۴) نامناسب و تا حد قابل توجهی بحرانی بوده است. روابط سیاسی دو طرف، تهاجمی بوده است و لندن و مسکو در مورد مهم‌ترین موضوع‌های بین‌المللی دچار اختلاف شده‌اند. نگاه رهبران بریتانیا و تعریف منافع آنها در تعارض با رویکردهای سیاسی روسیه است. در عین حال، بریتانیا به دنبال استمرار روابط اقتصادی با روسیه است با این توجیه که منابع تجاری باید از روابط سیاسی مصون بماند زیرا روابط سیاسی به طور فزاینده‌ای تقابلی شده است. موارد متعددی وجود دارد که بر کاهش سطح مناسبات لندن-مسکو اثرگذار بوده است. بحران اوکراین، بحران سوریه، قتل شهروندان روسی در بریتانیا، تحریم‌ها و جنگ هیبریدی روسیه بر ضد بریتانیا از مهم‌ترین حوزه‌های اختلاف میان دو لندن-مسکو بوده است.

جنگ هیبریدی^۲ روسیه بر ضد بریتانیا، تفکر راهبردی روسیه در این حوزه تحت تأثیر آنچه که دکتورین گراسیموف^۳ نامیده می‌شود، قرار دارد. این دکتورین نخستین بار در نشریه کورییر^۴ در ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ مطرح شد. وی در مطلب خود به این موضوع اشاره می‌کند که در قرن بیست و یکم تمایلی برای مخدوش ساختن خط (تمایز) میان جنگ و صلح مشاهده

^۱. Dimitry Peskov

^۲. ریشه جنگ هیبریدی به تهدیدهای هیبریدی باز می‌گردد که در ادبیات خاص نظامی آمریکا خلق شد. خلق این واژه نتیجه بررسی منازعه میان رژیم صهیونیستی و حزب الله در جنگ سال ۲۰۰۶ بود. تهدیدهای هیبریدی در چارچوب منازعه‌های نامتعارف مشتمل بر استفاده از ابزار متعارف و غیرمتعارف جنگ و تاکتیک‌های آن است.

^۳. Gerasimov Doctrine

^۴. Kurier

می‌شود. در خصوص جنگ‌هایی که شروع شده است، دیگر اطلاع‌رسانی نمی‌شود و طبق یک الگوی غیرمعارف پیش می‌رود (Paphiti, 2016:29). رسانه‌های دولتی روسیه از جمله راشاتودی و اسپوتنیک^۱ برای ترسیم چهره‌ای بهتر از روسیه فعالیت می‌کنند. به عنوان نمونه، روسیه در سال‌های اخیر بودجه این قبیل رسانه‌ها را از ۶۰۰ میلیون دلار به یک میلیارد دلار افزایش داده است (HCDC, 2016:16). در واقع در حوزه جنگ اطلاعاتی از سوی روسیه، رسانه‌های این کشور به دنبال تأثیرگذاری بر کارشناسان حوزه امنیت، کارشناسان حاضر در اتاق‌های فکر، دانشگاهیان و حتی روزنامه‌نگاران در موضوع‌های مختلف هستند. مسکو با استفاده از جنگ اطلاعاتی خود به دنبال پیروزی در حوزه‌های مختلف است. در واقع، سیاست‌های روسیه در حوزه انتشار اطلاعات و اخبار نادرست و جعلی یکی از عناصر اصلی سیاست‌های دفاعی و امنیتی روسیه است.

روسیه از یک دهه گذشته به این سو، بر ضد دولت‌ها و یا نهادهای اروپایی از جمله در سال ۲۰۰۷ در استونی، تلویزیون فرانسوی تی‌وی ۵ موند^۲ و یا بوندستاگ^۳ آلمان در ۲۰۱۵ حمله سایبری انجام داده است. روسیه همچنان توانمندی‌های شوروی در حوزه علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات را حفظ کرده است و به همین خاطر در حوزه سایبری اقدام‌های موثری انجام می‌دهد. طبق قوانین روسیه، هر شرکت فعال در روسیه باید کدهای اولیه^۴ خود را در اختیار سرویس‌های امنیتی روسیه قرار دهد. این امر بدین معناست که کدهای جی میل گوگل که برای دولت بریتانیا بسته است در اختیار دولت روسیه قرار می‌گیرد. این دسترسی به داده‌های فضای سایبری به روسیه این امکان را می‌دهد تا برتری غیرمستقارن منحصر به فردی در اختیار داشته باشد (HCDC, 2016:18). در گزارش کمیته امور قانون اساسی و اجرایی عمومی مجلس عوام بریتانیا^۵ در آوریل ۲۰۱۲ به موضوع ایجاد اخلاص و فروپاشی تارنمای ثبت نام در روز آخر ثبت نام در همه‌پرسی خروج بریتانیا (۷ ژوئن ۲۰۱۷) اشاره شده است و روسیه یا چین در این مورد مقصر شناخته شده است. برنارد جنکینگ^۶، رئیس این کمیته به این موضوع اشاره می‌کند که در ذات روسیه و یا چین، انجام چنین اقدام‌هایی وجود دارد (UK Parliament, 2017). در واقع، همگام

¹. Sputnik

². TV5 Monde

³. Bundestag

⁴. Basic Codes

⁵. Public Administration and Constitutional Affairs Committee (PACAC)

⁶. Bernard Jenking

با تحقیقات انجام شده در مورد دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا این موضوع مطرح می‌شود که آیا روسیه به کمپین حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا کمک مالی کرده است، آن هم با این هدف که بتواند با خروج بریتانیا، میان اتحادیه اروپا و ناتو شکاف ایجاد کند؟

ترزای می^۱، نخست وزیر بریتانیا در ۱۳ نوامبر ۲۰۱۷ به اقدام‌های مخرب روسیه بر ضد بریتانیا در حوزه سایبری و انجام جنگ هیبریدی^۲ اشاره می‌کند، «روسیه مهم‌ترین تهدید پیش‌روی نظم بین‌المللی است و نقش بریتانیا دفاع از نظم جهانی قاعده محور در برابر دولت‌های غیرمسئول است که به دنبال از بین بردن این نظم هستند. روسیه در حال انجام جاسوسی سایبری است. دخالت در انتخابات، هک کردن تارنمای وزارت دفاع دانمارک و بوندستاگ^۳ از جمله این اقدام‌هاست. روسیه از طریق رسانه‌های خود به دنبال انتشار اخبار جعلی و تصاویر فتوشاپ شده است تا بتواند بذر اختلاف را در غرب بکارد و نهادهای و جوامع آزاد ما را تضعیف کند. از این رو، من یک پیام بسیار ساده برای روسیه دارم. ما نسبت به اقدام‌های شما آگاه هستیم و شما موفق نخواهید شد. ما هر آنچه که بتوانیم برای محافظت از خود انجام خواهیم داد و با متحدان خود همکاری خواهیم کرد. به همین خاطر نیز به دنبال انجام اصلاحات در ناتو هستیم زیرا این ائتلاف حیاتی برای مقابله با فعالیت‌های خصمانه روسیه مناسب است» (Sakwa, 2018:27). اگرچه از زمان بحران اوکراین و منضم شدن کریمه به روسیه، بیشتر بر قدرت سخت روسیه تاکید شده است، اما روسیه هم اکنون هم از قدرت سخت و هم قدرت نرم در پیگیری اهداف سیاست خارجی خود بهره می‌برد. در واقع، روسیه از اطلاعات، فرهنگ و پول به عنوان ابزار جدید خود در جنگ با غرب بهره می‌برد.

در شرایطی که بیشتر رسانه‌های غربی با مشکلاتی در زمینه تامین بودجه خود رو به رو هستند، روسیه سرمایه‌گذاری خود را افزایش داده است. به عنوان مثال، بودجه راشا تودی در سال ۲۰۰۵، ۳۰ میلیون دلار بود در حالی که در سال ۲۰۱۳ به ۳۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. به دلیل وجود جمعیت قابل توجه روس‌زبان در بریتانیا، سایر رسانه‌ها از جمله «ساعت روس، ذهن روس^۴» و روزنامه «انگلیا^۵» نیز فعالیت‌های رسانه‌ای خود را افزایش داده‌اند. طبق

¹. Theresa May

². Hybrid War

³. Bundestag

⁴. Russian Hour, Russin Mind

⁵. Angliya

آمارهای ارائه شده، نیمه دوم سال ۲۰۱۲، بین ۲/۲۵ تا ۲/۵ میلیون بریتانیایی شبکه راشا تودی را تماشا کرده‌اند. با این ارقام، راشا تودی پس از شبکه خبری بی بی سی، اسکای نیوز^۱ و الجزیره انگلیسی چهارمین رسانه پربیننده در بریتانیا بود (Foxall, 2015:7).

کرم‌لین با تشکیل سازمان‌های متعدد به دنبال ارتقای تصویر جهانی خود است. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۴، باشگاه مباحثه والدای^۲ با هدف جلب مشارکت کارشناسان بین‌المللی و در سال ۲۰۰۵ کانال خبری راشا^۳ تودی تاسیس شدند تا در سطح بین‌المللی تصویری مثبت از روسیه ارائه کنند. ایجاد بنیاد جهان روسی^۴ در سال ۲۰۰۷ و مرکز روسی همکاری علمی و فرهنگی بین‌المللی^۵ نیز در سال ۲۰۰۸ بخشی از برنامه‌های روسیه در همین راستا است. روسیه در بریتانیا نیز از برخی ابزارهای قدرت نرم برای ارتقای وجهه خود بهره می‌برد. با توجه به حضور تعداد قابل توجهی از روس‌زبانان در بریتانیا، کرم‌لین از مجموعه‌ای از ابزارها برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده می‌کند. در عین حال، چهره‌های شاخص روس در حوزه تجارت در طرح‌های عمومی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به عنوان نمونه، رومن آبرامویچ^۶ یکی از اولیگارش‌های نزدیک به پوتین باشگاه چلسی را در سال ۲۰۰۳ خرید؛ آلیشر عثمانف^۷ یکی دیگر از چهره‌های نزدیک پوتین سهم قابل توجهی از باشگاه آرسنال را در سال ۲۰۰۷ در اختیار خود گرفت؛ اوگنی لبدف^۸، پسر یکی از ماموران سابق ک. گ. ب در سال ۲۰۰۹ روزنامه ایونینگ ساندی^۹ و در سال ۲۰۱۰ روزنامه ایندیپندنت^{۱۰} را خرید؛ الکساندر ماموت^{۱۱} یکی از قدرتمندترین اولیگارش‌ها در سال ۲۰۱۱ مالکیت کتاب فروشی‌های واتراستون^{۱۲} را در اختیار خود گرفت (Foxall, 2015:4). همچنین یکی دیگر از ابزارهای روسیه برای

^۱. Sky News

^۲. Valdai Discussion Club

^۳. پوتین در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۳ به این موضوع اذعان کرد که کانال راشا تودی بازتاب دهنده مواضع رسمی حکومت روسیه در قبال موضوع‌های داخلی و سایر نقاط جهان است.

^۴. Russkiy Mir (Russian World) Foundation

^۵. Russian Center for International Scientific and Cultural Cooperation

^۶. Roman Abramovich

^۷. Alisher Usmanov

^۸. Evgeny Lebedev

^۹. Evening Sunday

^{۱۰}. Independent

^{۱۱}. Alexander Mamut

^{۱۲}. Waterstone

تأثیرگذاری در بریتانیا، سفارت این کشور است که با افزایش حضور خود در رسانه‌های اجتماعی، ارتباط نزدیک‌تری با مخاطبان خود برقرار کرده است. حضور پررنگ در یوتیوب و توئیتر توسط مقام‌های سفارت روسیه از دیگر اقدام‌های این کشور است. بریتانیا در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی کمتر تحت تأثیر سیاست‌های روسیه بوده است، زیرا دارای میراث ارتدوکس یا اسلاو مشترک با روسیه نیست، میراثی از تسلط کمونیسم بر آن وجود نداشته است و شهروندان آن تمایل چندانی به راست یا چپ افراطی از خود نشان نداده‌اند. همچنین با توجه به وجود ذهنیت منفی در مورد رقابت امپریالیستی میان روسیه و بریتانیا در آسیای مرکزی و همچنین دهه‌ها رویارویی نظامی، اطلاعاتی و سیاسی در دوره جنگ سرد، نوعی نگرانی عمیق از روسیه در نهادهای حکومتی بریتانیا و شهروندان بریتانیایی شکل گرفته است. در سال‌های اخیر، قدرت‌یابی احزاب دست‌راستی و دست چپی فرصت مناسبی را برای تأثیرگذاری روسیه در سیاست بریتانیا فراهم ساخته است. تصمیم بر خروج از اتحادیه اروپا برای روسیه مناسب بود، زیرا هرگونه خروج دولت‌های عضو از اتحادیه اروپا، موجب تضعیف اتحادیه می‌شود. با توجه به بازدارندگی اتمی بریتانیا و حمایت قاطع بریتانیا از تحریم‌های روسیه، بریتانیا یکی از اهداف اصلی اقدام‌های هیبریدی روسیه است.

بحران اوکراین و منضم شدن کریمه به روسیه، بریتانیا، ایالات متحده و روسیه در
 دسامبر ۱۹۹۴ یادداشت تفاهم بوداپست^۱ در مورد تضمین‌های امنیتی را به امضا رساندند. این سه کشور وعده دادند تا به خلع سلاح اتمی جمهوری‌های شوروی بپردازند. اوکراین نیز به برچیدن سلاح‌های اتمی از خاک خود و ارسال تاسیسات اتمی به روسیه و امضای معاهده منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی متعهد شد. در مقابل، روسیه و سایر امضاکنندگان حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناختند. بریتانیا، روسیه و آمریکا در تفاهم نامه بوداپست متعهد شدند تا از تهدید یا استفاده از زور بر ضد تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی اوکراین خودداری کنند. یکی دیگر از تعهدات دو طرف، عدم استفاده از فشارهای اقتصادی بر ضد اوکراین در جهت تامین منافع خود و یا اشغال نظامی و نقض حقوق بین‌الملل بود (HCFAC, 2017: 24).

^۱. Budapest Memorandum

بحران اوکراین زمانی شروع شد که ویکتور یاناکویچ^۱ تحت فشار روسیه، از امضای موافقنامه همکاری^۲ با اتحادیه اروپا خودداری کرد. این اقدام رئیس‌جمهور اوکراین با اعتراض شدید شهروندان اوکراینی رو به رو شد. در نهایت، یانوکویچ اواخر فوریه ۲۰۱۴ از قدرت کناره‌گیری کرد و به روسیه گریخت. پس از آن با برگزاری همه‌پرسی در ۱۶ مارس ۲۰۱۴ کریمه به روسیه منضم شد. مسکو نیز دو روز پس از آن به طور رسمی منضم شدن کریمه را اعلام کرد. می‌توان گفت دلیل اصلی این اقدام روسیه، اطمینان یافتن از این موضوع بود که شبه جزیه کریمه از کنترل راهبردی روسیه خارج نخواهد شد.

بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ یک شوک جدی بر رویکرد بریتانیا در قبال روسیه وارد کرد. به همین خاطر در راهبرد امنیت ملی^۳ بریتانیا در سال ۲۰۱۵ و مرور دفاعی و امنیتی راهبردی^۴ نوعی چرخش در پندارهای بریتانیا شکل گرفت. در مرور امنیتی و دفاعی راهبردی (۲۰۱۵) در فصل سوم آن به ظهور مجدد تهدیدهای دولت محور اشاره، و روسیه به عنوان دولتی تهاجمی، ملی‌گرا و خودکامه معرفی شده است که به طور فزاینده به مخالف غرب تبدیل شده است. همچنین ضمیمه‌ساختن غیرقانونی کریمه و بی‌ثبات‌سازی شرق اوکراین نشان می‌دهد که روسیه به دنبال تضعیف استانداردهای همکاری با هدف تامین منافع خود است (HM Government, 2015:18). هر چند در این راهبرد بر این موضوع اشاره شده است که بریتانیا به دنبال همکاری با روسیه در خصوص طیفی از موضوع‌های امنیتی جهانی است. از زمان روی کارآمدن پوتین، مسکو برای استفاده از اهرم نظامی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و راهبردی تمایل بیشتری یافته است. بحران اوکراین، منضم‌شدن کریمه و اقدام‌های روسیه در حمایت از جدایی‌طلبان شرق اوکراین، بریتانیا را به این نتیجه رسانده است که عدم توجه روسیه به اصول و هنجارهای بین‌المللی، تهدیدی برای نظم بین‌المللی فعلی و امنیت ملی بریتانیا است.

قتل شهروندان روس در بریتانیا، مسموم‌ساختن سرگئی اسکریپال^۵ و همچنین یولیا^۶ دختر وی با عامل اعصاب در سالیسبوری در ۴ مارس ۲۰۱۸، موجب بروز تنش در روابط دو

¹. Viktor Yanukovich

². Association Agreement

³. National Security Strategy

⁴. Strategic Defence and Security Review

⁵. Sergey Skripal

⁶. Yulia

طرف شده است.^۱ اقدامی که ترزا می، هشت روز پس از آن حادثه این اتفاق را استفاده غیرقانونی از زور توسط روسیه بر ضد بریتانیا توصیف کرد (Allan, 2018: 2). اگرچه حمله سالیسبوری نقض حاکمیت بریتانیا است، با این حال ناکامی مجدد بریتانیا در محافظت از اتباع بریتانیا در برابر حمله‌های نهادهای دولت روسیه نیز محسوب می‌شود. پیش از این نیز قتل شهروندان روسی در بریتانیا موجب بروز تنش در روابط مسکو-لندن شده بود.

در نوامبر سال ۲۰۰۶ در پی کشته شدن لیتوینکو دیگر جاسوس روس -با پلونیوم رادیواکتیو- بریتانیا خواستار بازگردانده شدن آندری لوگووی^۲ و دیمیتری کووتون^۳ شدند که به مسکو گریخته بودند؛ موضوعی که با مخالفت روسیه مواجه شد، آن هم با استناد به مفاد قانون اساسی روسیه که استرداد شهروندان روسیه را ممنوع کرده است. بریتانیا در واکنش به مخالفت روسیه با استرداد لوگووی، چهار دیپلمات روسیه را اخراج کرد، مذاکره برای توافق پیرامون تسهیل روند اعطای روادید را معلق ساخت و سایر ترتیبات صدور روادید را نیز سخت‌تر کرد. هرچند دولت کارگری تلاش کرد تا بین تنبیه روسیه با حفظ روابط توازن برقرار کند. دولت ائتلافی محافظه‌کار - لیبرال دمکرات نیز که در انتخابات سال ۲۰۱۰ تشکیل شد، همین روند دولت کارگری را ادامه داد. در ژانویه سال ۲۰۱۶ نتایج تحقیقات در خصوص قتل لیتوینکو اثبات کرد که لوگووی و کووتون مسئول قتل وی هستند. بریتانیا در واکنش به این گزارش، ۲۳ دیپلمات روس را اخراج کرد. در مارس ۲۰۱۷ نیز ۲۶ کشور دیگر در کنار بریتانیا بیش از ۱۲۰ نفر از اعضای سفارت‌خانه‌های روسیه را اخراج کردند. ناتو نیز هفت مقام روس را از مقرر فرماندهی بروکسل اخراج کرد (Allan, 2018:7-8). کمیسیون تحقیق به رهبری رابرت اوون^۴ در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که احتمالاً پوتین از ترور دو مامور سابق روس با استفاده از پلوتونیوم حمایت کرده است (UK Government Web Archive, 2016). در نوامبر ۲۰۱۲ نیز الکساندر پریپلیچنی^۵ از تجار روسی به قتل رسید. وی یکی از افشاکنندگان اختلاس ۲۲۰ میلیون دلاری از وزارت دارایی روسیه بود که به مرگ سرگئی مگنیتسکی^۶ در نوامبر ۲۰۰۹ منتهی شد.

². Andrey Lugovoi

³. Dimitry Kovtun

⁴. Robert Owen

⁵. Alexander Perepilichny

- اسکرپال جاسوس پیشین روسیه بود و تابعیت بریتانیا را دریافت کرده بود.

⁶. Sergei Magnitsky

تحریم‌های اتحادیه اروپا پس از بحران اوکراین از نظر لندن، ضمیمه‌شدن کریمه به روسیه در مارس ۲۰۱۴، امری غیرقانونی است. به همین دلیل نیز از حامیان اصلی حفظ و استمرار تحریم‌ها بر ضد روسیه محسوب می‌شود. هر چند پس از خروج بریتانیا در ۲۹ مارس ۲۰۱۹ لندن می‌تواند در خصوص ادامه تحریم‌ها تصمیم‌گیری کند. هنوز مشخص نیست که آیا بریتانیا پس از خروج از اتحادیه، تحریم‌های خود را بر ضد روسیه وضع خواهد کرد یا نه. با وجود برخی اظهارنظرها از سوی ترزا می در ابتدای دوره نخست‌وزیری خود، دولت وی نیز بار دیگر همان مواضع پیشین بریتانیا را در قبال روسیه در پیش گرفته است. به عنوان نمونه، وی در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۷ از روسیه به دلیل وتوی قطعنامه شورای امنیت برای تحریم روسیه و استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی بر ضد غیرنظامیان انتقاد و اعلام کرد: «یک کشور خاص به اندازه کل نیمه‌دوم جنگ سرد از حق وتوی خود در پنج سال گذشته استفاده کرده است (Guardian, 2017).

اتحادیه اروپا و آمریکا نخستین دور از تحریم‌های هدفمند را در مارس ۲۰۱۴ بر ضد روسیه اعمال کردند که افراد، شرکت‌ها و نهادهای روسی را دربرمی‌گرفت. در جولای و سپتامبر ۲۰۱۴ نیز مجموعه دیگری از تحریم‌ها بر ضد روسیه به تصویب رسید. در این میان، بریتانیا یکی از حامیان اصلی تحریم‌هاست. لندن با همکاری با سایر دولت‌های عضو اتحادیه تحریم‌هایی را بر ضد مسکو به تصویب رسانده است. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا می‌تواند به کنشگرانی کمک کند که خواستار کاهش یا لغو تحریم‌ها شد (HCFAC, 2017:125). مبنای حقوقی تحریم‌ها، قانون تحریم‌ها و ضد پولشویی^۱ سال ۲۰۱۸ است که با اهداف اعمال تحریم‌ها پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تنظیم شده است. بریتانیا در صورت خروج از اتحادیه اروپا ناچار خواهد بود سیاست‌های خود را با آمریکا برای تحریم روسیه هماهنگ کند. تا پیش از برگزیت، لندن در چارچوب تصمیم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا، تحریم‌هایی را بر ضد مسکو اعمال می‌کرد. اهمیت بریتانیا به عنوان یک مرکز مالی جهانی به این معناست که هر گونه تحریم یک‌جانبه از سوی بریتانیا، دارای پیامدهای جدی برای روسیه خواهد بود.

روابط اقتصادی مسکو-لندن، روابط اقتصادی میان بریتانیا و روسیه تا حدی مستقل از روابط سیاسی است. با این حال، تجارت دو طرف نیز پس از بروز بحران اوکراین دچار مشکل

^۱. Sanctions and Anti-Money Laundering Act (SAML)

شده است به خصوص اینکه کمیته راهبری مشترک بریتانیا- روسیه در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری^۱ و گفتگوی سطح بالای انرژی^۲ به حالت تعلیق درآمده است. بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، صادرات کالا و خدمات از بریتانیا به روسیه ۷۵ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۱۳، ارزش صادرات بریتانیا به روسیه ۷/۶ میلیارد پوند بود. هر چند در سال ۲۰۱۴ به ۶/۸ میلیارد پوند کاهش یافت. مجموع واردات بریتانیا از روسیه نیز ۷ میلیارد پوند بود. در سال ۲۰۱۴ میزان سرمایه‌گذاری روسیه در سال ۲۰۱۴ در بریتانیا ۲۷ میلیارد دلار بود. همچنین حجم روابط اقتصادی میان دو طرف در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۱۷ به طور مستمر در حال کاهش بوده است و به طور مثال در سال ۲۰۱۴ با ۸ درصد کاهش به ۱۰/۴ میلیارد دلار رسیده است (Russian Embassy, 2018).

بریتانیا برای بهبود شرایط اقتصادی به ویژه پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۷ به دنبال افزایش صادرات خود و سرمایه‌گذاری بود و اگرچه روسیه محور اصلی این برنامه بریتانیا نبود، اما به عنوان یکی از اعضای گروه بریکس^۳ و تولید کننده انرژی مورد توجه قرار گرفت. بریتیش پترولیوم^۴ در سال ۲۰۱۲ اعلام کرد که ۱۹/۷۵ درصد سهام شرکت روس نفت^۵ را در اختیار خواهد گرفت (Allan, 2018:5). از نمودهای همکاری اقتصادی لندن - مسکو، برنامه روادید سرمایه‌گذاری سطح یک^۶ است که در سال ۲۰۰۸ به عنوان جایگزین مسیر مهاجرت سرمایه گذار^۷ تدوین شد. هدف از اجرای برنامه سطح یک، جذب افراد ثروتمند در خارج از منطقه اقتصادی اروپا^۸ و سوئیس بود. در واقع به ازای یک میلیون پوند سرمایه‌گذاری (که در سال ۲۰۱۴ به دو میلیون پوند افزایش یافت) در اوراق قرضه دولت بریتانیا، متقاضیان می‌توانستند برای یک دوره سه سال و چهار ماهه وارد بریتانیا شوند. طبق گزارش‌های سازمان شفافیت بین‌الملل^۹ بین سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵، ۳۰۸۴ روادید سرمایه‌گذاری سطح یک صادر شده است که ۷۰۶ مورد آن (۲۳/۲ درصد) به روس‌ها

^۱ UK- Russia Joint Steering Committee on Trade and Investment

^۲ High- level Energy Dialogue

^۳ BRICS

^۴ British Petroleum

^۵ Rosneft

^۶ Tier I (Investor) visa Scheme

^۷ Investor Immigrant Route

^۸ European Economic Area

^۹ Transparency International

اختصاص یافته و موجب ورود ۳/۲ میلیارد پوند (۷۲۹ میلیون پوند آن از طرف روس‌ها) شده است (Transparency International, 2015:10-12).

روسیه هیچگاه یکی از شرکای تجاری سطح نخست نبوده است، اما از زمان بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸، بریتانیا به دنبال تقویت همکاری‌های دوجانبه بوده است. از نظر لندن، مهم‌ترین عنصر روابط تجاری دو طرف همچنان سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد پوندی شرکت بریتیش پترولیوم و شیل^۱ در بخش انرژی روسیه است. در سال ۲۰۱۷، ارزش صادرات بریتانیا به روسیه به بیش از ۶ میلیارد پوند رسید که ۲/۹ میلیارد آن به بخش خدمات اختصاص دارد (Allan, 2018: 2). در واقع، بخش قابل توجهی از این صنایع خدماتی به حلقه قدرت در مسکو نزدیک هستند. با وجود اعمال تحریم از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه در بحران اوکراین، لندن همواره بر این باور است که روابط اقتصادی دوجانبه باید از روابط سیاسی مصون بماند. بازار سهام لندن^۲ همچنان مهم‌ترین منبع دسترسی شرکت‌های روس به بازارهای جهانی سرمایه است که در آن بیش از ۶۰ شرکت روس در بازار سهام لندن تجارت می‌کنند. گازپروم^۳، روس نفت^۴، اسپر بانک^۵، لوک اویل^۶ و برخی از شرکت‌های مهم روس در این بازار سهام فعال هستند (Russian Embassy, 2018). حجم فعالیت‌های شرکت‌های روسی در لندن به اندازه‌ای بالا است که به آن لندن‌گراد^۷ گفته می‌شود. در حقیقت به باور منتقدان لندن بهشت پول‌های کثیف روسی است (Galeotti, ۲۰۱۸). با توجه به اینکه لندن همچنان مرکز مالی مهم و ارائه‌دهنده خدمات حقوقی است، اغلب تجار روسی ترجیح می‌دهند در لندن فعالیت‌های مالی خود را پیگیری کنند. در این میان، نگرانی‌هایی در خصوص تأثیر پول‌های روسیه بر بازار املاک لندن و شفافیت مالی وجود دارد. در واقع، نهادهای مالی روسیه ابزارهای فشار روسیه محسوب می‌شوند.

بحران سوریه و تفاوت دیدگاه لندن و مسکو، روابط روسیه با سوریه با دوام‌ترین روابط در خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم بوده است. شروع روابط دمشق و مسکو در سال ۱۹۵۶

¹. Shell

². London Stock Exchange

³. Gazprom

⁴. Rosneft

⁵. Sberbank

⁶. Lukoil

⁷. Londongrad

بود و پس از آن از طریق تقویت همکاری‌های نظامی و همچنین احداث پایگاه دریایی دائم در طرطوس^۱ در سال ۱۹۷۱ مستحکم‌تر شد. از زمان شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، روسیه با تداوم صادرات تسلیحات، حمایت اقتصادی و دیپلماتیک از حکومت بشار اسد، پشتیبانی و قطعنامه‌های مرتبط با سوریه را وتو کرده است. روسیه از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ به طور مستقیم در بحران سوریه مداخله کرده است. در این زمان، مقام‌های آمریکایی اعلام کردند که ارتش روسیه از آنها خواسته است حریم هوایی سوریه را ترک کند تا این کشور بتواند حمله‌های مستقیم خود به شورشیان سوریه را آغاز کند (HCFAC, 2017:35). از زمان مشارکت مستقیم روسیه در بحران سوریه، مسکو بر این امر پافشاری می‌کند که با دعوت دمشق و برای کمک به نیروهای سوریه وارد این بحران شده است.

مسکو به این موضوع اشاره می‌کند که اقدام‌هایش بر ضد تروریست‌ها منطبق با قطعنامه‌های ۲۲۴۹ و ۲۲۵۴ شورای امنیت انجام می‌شود. سرگئی لاوروف^۲، وزیر خارجه روسیه به هنگام شروع عملیات روسیه در سوریه اعلام کرد، «اگر فردی یا چیزی شبیه به یک تروریست باشد، اگر شبیه یک تروریست دست به اقدام بزند، اگر شبیه یک تروریست راه برود و اگر شبیه یک تروریست مبارزه کند، یک تروریست است» (CNN, 2015). در واقع، تعریف روس‌ها از تروریسم و راه‌حل‌ها و برون‌داد بحران سوریه متفاوت از تعریف کشورهای غربی و بریتانیا است. روسیه همچنین یک نگرانی داخلی نیز در خصوص تروریست‌های اسلام‌گرا دارد که از قفقاز شمالی هستند و در بحران سوریه حضور داشته‌اند. طبق برآورد روس‌ها، ۴۵۰۰ نفر از اتباع روسیه در عراق و سوریه حضور داشته‌اند و امکان بازگشت آنها به روسیه وجود دارد. از این رو، مسکو از تمام ابزارها برای از بین بردن تروریست‌ها بهره می‌برد. برآوردها در سال ۲۰۱۶ نشان می‌داد که ۵۰۰۰ روس به داعش پیوسته‌اند که ۲۰ درصد نیروهای داعش را تشکیل می‌دهد (HCDC, 2016:23).

همچنین وتوی برخی از قطعنامه‌های شورای امنیت در قبال سوریه توسط مسکو در بدتر شدن شرایط اثرگذار بوده است. در واقع، مسکو از مشروعیت حکومت بشار اسد در سوریه حمایت می‌کرد در حالی که لندن خواستار تغییر نظام در سوریه بود. پس از حمله

^۱. Tartus

^۲. Sergei Lavrov

شیمیایی به غوطه^۱ در ۲۱ آگوست ۲۰۱۳، طرح دولت بریتانیا برای مداخله نظامی در سوریه در مجلس عوام تایید نشد (Sakwa, 2018: 13). مداخله روسیه در بحران سوریه، نخستین مداخله نظامی روسیه پس از پایان جنگ سرد در حوزه خارج از جمهوری‌های پیشین شوروی محسوب می‌شود. در واقع، اقدام نظامی روسیه در سپتامبر ۲۰۱۵ تلاشی بود برای انحراف افکار عمومی و دولت‌های غربی از رویدادهای اوکراین. حفظ و گسترش نفوذ در منطقه خاورمیانه، تثبیت خود به عنوان بازیگر جهانی، تلاش روسیه برای کسب جایگاه یک شریک از مهم‌ترین دلایل اقدام نظامی روسیه در بحران سوریه محسوب می‌شود.

لندن و مسکو در حوزه‌های دیگر نیز با یکدیگر دچار اختلاف هستند. فعالیت‌های نظامی روسیه برای بریتانیا نیز چالش‌برانگیز است. نیروی هوایی روسیه بارها به حریم هوایی بریتانیا و ناتو نزدیک شده است. رزم‌ناوهای روسیه به آب‌های بریتانیا نزدیک شده‌اند و زیردریایی‌های این کشور نیز اقدام‌های مخاطره‌آمیزی انجام داده‌اند. تکرار این اقدام‌ها نشان‌دهنده افزایش دشمنی روسیه در برابر یک عضو ناتو است. در حوزه خاورمیانه نیز شرایط همکاری در خصوص حل و فصل منازعه‌ها آن هم به خاطر سیال بودن وضعیت این منطقه چندان فراهم نیست. رویدادهای منطقه نیز موجب افزایش شکاف میان لندن و مسکو شده است. حمله هوایی بریتانیا و فرانسه به لیبی از نظر مقام‌های مسکو فراتر از منطقه پرواز ممنوع در قطعه‌نامه ۱۹۷۳ (۱۷ مارس ۲۰۱۱) شورای امنیت بود. با این حال، افغانستان منطقه‌ای است که هر دو طرف دارای منافع مشترک در زمینه ایجاد ثبات و مبارزه با مواد مخدر هستند. هر چند منافع ژئوپلیتیک متفاوت این دو کشور به وضوح مشخص است و البته پندار آنها از داعش و طالبان نیز متفاوت است. از سوی دیگر، هم روسیه و هم بریتانیا هر دو بر این باورند که تنش‌های جاری میان ایران و برخی کشورهای عرب منطقه خلیج فارس می‌تواند چالش اساسی برای امنیت منطقه‌ای باشد. در مجموع، می‌توان گفت در روابط امنیتی روسیه و بریتانیا چندان مواردی وجود ندارد که ضرورت فوری برای همکاری یا تعامل، فوریت و ضرورتی احساس شود. این امر به دلیل اولویت‌های ژئوپلیتیک متفاوت هر دو کشور و تعامل امنیتی لندن با مسکو از طریق سازمان‌های چندجانبه از قبیل ناتو است. دلیل دیگر، وابستگی متقابل و در هم تنیدگی اندک دو طرف است.

^۱. Ghouta

روابط میان بریتانیا و روسیه بازتابی از روابط میان سازمان‌های اروپایی و یورو-آتلانتیک به ویژه ناتو اتحادیه اروپا با روسیه است. هم در مسکو و هم در بروکسل و لندن نتایج متفاوت و در نتیجه شناخت و فهم مبنایی متفاوت از تکامل ساختار و سیاست اروپایی پس از جنگ سرد ایجاد شده است. به عنوان نمونه، لندن و بروکسل بر این باور هستند که پس از پایان جنگ سرد، اروپا به یک محیط آزاد و با ثبات و صلح‌آمیز تبدیل شده است. مسکو بر این باور است اروپا تکه تکه و متفرق شده و همچنان بی‌ثبات و ناامنی است و دچار همان ذهنیت دوران جنگ سرد است، نشانه این امر نیز گسترش ناتو و اتحادیه اروپا و بیرون راندن روسیه از فرایندهای تصمیم‌گیری یورو-آتلانتیک است.

سناریوهای سیاست خارجی بریتانیا پس از برگزیت و روابط با روسیه

هرچند دین آچسون^۱، وزیر خارجه آمریکا در سال ۱۹۶۲ اعلام کرد که بریتانیا امپراتوری خود را از دست داده است، اما هنوز نقش مناسبی برای خود پیدا نکرده است. شاید افراد کمتری با ادامه نقل قول از وی آشنا باشند که می‌تواند بازتاب‌دهنده شرایط کنونی بریتانیا باشد. آچسون در ادامه سخنان خود در آکادمی نظامی وست پوینت^۲ می‌گوید، «بریتانیا به دنبال ایفای نقشی جداگانه، نقشی جدا از اروپا، نقشی مبتنی بر روابط ویژه با ایالات متحده و مبتنی بر رهبری کشورهای مشترک‌المنافع^۳ است که هیچ ساختار سیاسی ندارد و بر اساس استرلینگ^۴ پایه‌ریزی شده است. به نظر می‌رسد، تلاش بریتانیا برای ایفای نقش مستقل و میانجی‌گری میان روسیه و آمریکا هم به لحاظ سیاسی و هم توان نظامی چندان موثر نیست» (Fraser, 2018:32). به نظر می‌رسد این نقل قول در شرایط کنونی نیز اعتبار دارد. بریتانیا به طور سنتی خود را بازیگری جهانی با نفوذ دیپلماتیک و نظامی می‌داند. با این حال، نفوذ ژئوپلیتیک بریتانیا حتی پیش از همه‌پرسی برگزیت نیز در حال کمرنگ شدن بود و برگزیت تنها می‌تواند این فرایند را تسریع کند. با توجه به بحران‌های داخلی بریتانیا از جمله همه‌پرسی استقلال اسکاتلند در سال ۲۰۱۴، همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا و فرایند متعاقب آن موجب شده است، لندن در بحران‌های مهم بین‌المللی از

^۱. Dean Acheson

^۲. West Point Academy

^۳. Commonwealth

^۴. Sterling

جمله بحران اوکراین و جنگ در سوریه غائب باشد. در خصوص سیاست خارجی بریتانیا پس از برگزیت و نوع روابط با روسیه چهار سناریو مطرح است.

نخست، تضعیف نقش جهانی بریتانیا است. بریتانیا در یک قرن اخیر همواره تلاش کرده است تا خود را به عنوان واسط و رابط آمریکا در اتحادیه اروپا نشان دهد. با خروج بریتانیا این نقش از بین رفته است و جایگاه این کشور در مسائل جهانی تضعیف خواهد شد. در واقع، دو ستون سیاست خارجی بریتانیا پس از جنگ‌های جهانی یعنی اروپا و روابط فرآتلانتیکی از بین رفته است. در واقع، رابطه ویژه لندن- واشنگتن در دوره اوباما آسیب دید و در دوره ترامپ این روند تضعیف رابطه، شتاب گرفته است. در این سناریو از نظر روسیه، بریتانیا یک واسط ناکارآمد و بلاموضوع است. همچنان که این امر به خوبی در اسناد مرتبط با سیاست خارجی و یا امنیتی و دفاعی این کشور قابل مشاهده است. به عنوان مثال در اسناد راهبردی روسیه تا پیش از سال ۲۰۱۶ بر مزایای متقابل بهبود در رابطه با بریتانیا تأکید شده بود، اما در راهبرد سال ۲۰۱۶ اشاره‌ای به روابط با بریتانیا نشده است در حالی که تقویت روابط با آلمان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و سایر دولت‌های اروپایی مورد توجه قرار گرفته است (Sakwa, 2018: 16).

دوم، سناریوی بریتانیای جهانی^۱ است. این ایده که توسط حامیان خروج بریتانیا از اتحادیه حمایت می‌شود، بر این فرض استوار است که بریتانیا هم اکنون از قید و بندها و محدودیت‌های اتحادیه اروپا خارج شده است و می‌تواند به عنوان یک قدرت مستقل به ایفای نقش جهانی خود بپردازد. در واقع، تجارت این کشور بر اساس ارز خود و بازگشت حاکمیت ملی خود در حوزه اقتصادی خواهد بود. در چارچوب سیاست‌های بریتانیای جهانی این تصور وجود دارد که لندن با توجه به رها شدن از محدودیت‌های عضویت در اتحادیه اروپا می‌تواند نفوذ خود را افزایش دهد. در این چارچوب، بریتانیا می‌تواند در تمام مناطق حضور داشته باشد، ائتلاف‌های پیشین را احیا کند، شراکت‌های جدید به وجود بیاورد، چارچوب‌های دوجانبه را تقویت کند و براساس نظام مطلوب خود با سایر کشورها توافق‌های دوجانبه تجاری امضا کند (Major and Von Ondarza, 2018:1). در این الگوی جهانی، روسیه سود بیشتری از زمانی که بریتانیا در اتحادیه اروپا حضور داشت، نمی‌تواند به دست بیاورد. در الگوی بریتانیای جهانی، لندن به دنبال تقویت مناسبات خود با آمریکا و تعمیق مناسبات با

^۱. Global Britain

مستعمره‌های پیشین خود از جمله هند و یا دومینون‌های^۱ پیشین استرالیا، نیوزلند و کانادا خواهد بود. در واقع در بریتانیای جهانی، نقش امنیتی بریتانیا در نظام آتلانتیک‌محور افزایش خواهد یافت و روابط با شرکای اقتصادی سنتی تقویت می‌شود. در این چارچوب، فرصت و امکان مناسب برای شکل‌گیری شراکت یا روابط پویا با روسیه وجود ندارد. دولت بریتانیا در چارچوب سیاست بریتانیای جهانی این مفهوم را ارائه می‌کند که برگزیت موجب قدرتمند شدن، اثرگذارتر و جهانی‌تر شدن این کنشگر خواهد شد. کانون این مفهوم، چشم‌انداز جهانی و موافقتنامه‌های دوجانبه است که بتواند خروج از اتحادیه اروپا و از دست دادن مناسبات با اتحادیه را جبران کند.

سوم، ادامه همکاری با اتحادیه اروپا در چارچوب مسائل اروپایی است. مقام‌های بریتانیایی بارها از این موضوع صحبت کرده‌اند که از اتحادیه اروپا و نه قاره اروپا خارج می‌شوند. این امر بدین معنا است که هر سناریوی احتمالی در روابط میان لندن و بروکسل به معنای استمرار حضور و تعهد بریتانیا در ساختارهای امنیتی آتلانتیک به ویژه ناتو است. در این چارچوب، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی برای روابط روسیه و بریتانیا متصور بود زیرا همچنان سیاست‌های سنتی بریتانیا ادامه خواهد یافت. در راهبرد جهانی اتحادیه اروپا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی^۲ در سال ۲۰۱۶ پیشنهادهای مناسبی در مورد همکاری‌های نزدیک‌تر با ناتو در موضوع‌های امنیتی مشترک مطرح شده است، اگرچه پیش از برگزیت نیز، بروکسل به دنبال تقویت هویت امنیتی خود و فراتر رفتن از آتلانتیک‌گرایی سنتی بود. برگزیت و ورود ترامپ به کاخ سفید این روند را تشدید کرده است (Sakwa, 2018:17). در واقع، برگزیت یک فرصت راهبردی در اختیار اتحادیه اروپا قرار داد تا مسئولیت بیشتری را در حوزه تامین امنیت بر عهده بگیرد. اتحادیه اروپا می‌تواند با همکاری روسیه نظام امنیت منطقه‌ای را بازتعریف کند. این امر می‌تواند موجب تحرک در روابط با روسیه شود. مسکو به طور سنتی ترجیح می‌دهد تا روابط دوجانبه با برلین، پاریس یا رم برقرار کند.

چهارم، سناریوی انزوای با شکوه^۳ است. این الگو بر این اساس استوار است که پس از خروج از اتحادیه اروپا، بریتانیا بازگشتی داوطلبانه به جایگاه سنتی خود در قرن نوزدهم در

^۱. Dominion

^۲. A Global Strategy on Foreign and Security Policy for the European Union

^۳. Splendid Isolation

چارچوب انزوای با شکوه خواهد داشت. از این اصطلاح برای توصیف سیاست‌های بریتانیا برای جلوگیری از شکل‌گیری ائتلاف و اتحادها استفاده می‌شود. البته بریتانیا یک عضو فعال ناتو همچنان باقی خواهد ماند و هیچگاه کرسی خود در شورای امنیت را ترک نخواهد کرد، اما جایگاه سنتی آن تغییر خواهد یافت. در این سناریو، بریتانیا به دنبال یافتن هم‌پیمانان جدید خواهد بود که ممکن است زمینه را برای از سرگیری روابط با روسیه فراهم سازد. در واقع، همان‌گونه که ای جی پی تیلور^۱ تاریخدان و روزنامه‌نگار می‌گوید، روسیه و بریتانیا دو قدرت در پیرامون اروپا هستند (Sakwa, 2018:18). از نظر مقام‌های بریتانیایی، روسیه تهدید سطح اول در کنار داعش محسوب می‌شود در حالی که پیش از آن، روسیه یک موضوع امنیتی درجه دوم برای بریتانیا محسوب می‌شد.

برگزیت می‌تواند، مواضع بریتانیا را در دو سوی آتلانتیک تضعیف کند. واشنگتن تمایل بیشتری به برلین دارد زیرا آلمان در شرایط کنونی قوی‌ترین کنشگر در اروپا محسوب می‌شود. فرانسه نیز در دوران ریاست جمهوری ماکرون در حال قدرت‌یابی است. برگزیت موجب تغییر مواضع بریتانیا به سازمان‌های بین‌المللی خواهد شد. پیش از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، لندن با عضویت در اتحادیه اروپا به پشتوانه ۲۰ درصد اقتصاد جهانی و ۷ درصد جمعیت جهان صحبت می‌کرد، اما با خروج از اتحادیه، این اعداد به ترتیب به سه و یک درصد کاهش پیدا می‌کند (Fraser, 2018:33). البته پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، سه ستون اصلی سیاست خارجی بریتانیا - روابط با اتحادیه اروپا، روابط نزدیک با ایالات متحده و حضور فعال در برخی سازمان‌های مهم بین‌المللی - همچنان حفظ خواهد شد، اما لندن برای تطبیق خود با شرایط جدید با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد. بررسی سه ستون سیاست خارجی بریتانیا نشان می‌دهد که تلاش بریتانیا برای جبران پیامدهای منفی خروج از اتحادیه اروپا از طریق افزایش تعاملات دوجانبه بین‌المللی نمی‌تواند چندان کارساز باشد.

^۱. A. J. P Taylor

نتیجه‌گیری

از پایان جنگ سرد به این سو، هدف عمده غرب، ادغام روسیه در نظام بین‌الملل و اقتصاد جهانی و بنا نهادن یک شراکت راهبردی با روسیه بوده است. بریتانیا نیز یکی از حامیان این رویکرد بود و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نیز به دنبال برقراری روابط دیپلماتیک با فدراسیون روسیه بود. لندن به دنبال کاهش نگرانی‌های مسکو در مورد گسترش ناتو بود و این کار را با حمایت از برقراری روابط رسمی میان ناتو در روسیه در سال ۱۹۹۷، ورود روسیه به شورای اروپا^۱ در سال ۱۹۹۶، گروه هشت در سال ۱۹۹۷ و پیوستن به سازمان تجارت جهانی^۲ انجام داد. در مقابل، روسیه روایت متفاوتی از تحولات پس از پایان جنگ سرد را مطرح می‌کند. از منظر روسیه این دوره با تحقیر بین‌المللی روسیه همراه بوده است. غرب نیز از ضعف نسبی روسیه بهره برده است و منافع مشروع این کشور را در بالکان غربی و سایر حوزه‌های نفوذ شوروی نادیده گرفته است. شورای ناتو- روسیه^۳ نیز فقط تریبونی برای اعلام خواسته‌های ناتو بوده است.

روابط روسیه و بریتانیا پس از جنگ سرد با فراز و نشیب‌های زیادی همراه بوده است. اگرچه سفر پوتین به بریتانیا در ژوئن ۲۰۰۳ موجب امضای قرارداد نفتی میان بریتیش پترولیوم شد و روابط دو طرف در سطح قابل قبولی قرار داشت، اما سه سال پس از آن و با قتل لیتوینکو در لندن روابط دو طرف به پایین‌ترین سطح در دوره پساجنگ سرد رسید. با این حال، روابط لندن و مسکو پس از این ماجرا کم و بیش ادامه یافت، اما بحران اوکراین موجب شده است تا روابط دو طرف با عقب‌گرد اساسی مواجه شود. روابط دولتی میان لندن و مسکو در چارچوب الگوی همکاری و رویارویی قابل تعریف است. در واقع، تنش میان بریتانیا و روسیه بازتاب‌دهنده تنش میان روسیه و غرب است که هر دو یکدیگر را به عدم رعایت حقوق بین‌الملل، استفاده از زور بر ضد دولت‌های مستقل و زورگویی به کنشگران ضعیف‌تر متهم می‌کنند. بررسی اسناد راهبرد امنیت ملی دو کشور نشان می‌دهد که لندن و مسکو یکدیگر را تهدید بالقوه منافع خود می‌دانند، اگرچه دلایل متفاوتی برای این نگاه خود دارند. نگرانی‌های بریتانیا از روسیه بازگشت تهدیدهای سنتی، استفاده از زور برای تحقق اهداف راهبردی و چالش‌های بالقوه در قبال نظم‌های بین‌المللی چندجانبه و قاعده‌محور است. در مقابل، نگرانی‌های مسکو عبارت است از اینکه ناتو و اتحادیه اروپا به دنبال ساختن

^۱. Council of Europe

^۲. World Trade Organization (WTO)

^۳. NATO- Russia Council

روسیه هستند و از شراکت برابر با روسیه خودداری می‌کنند. این تفاوت در نگاه دو طرف، بازتاب-دهنده بی‌اعتمادی و سوء ظن دیرین دو کشور در مناسبات دوجانبه است.

نخستین مجموعه از سوء تفاهم‌ها میان روسیه و بریتانیا از حس تاریخی رقابت میان دو کشور ناشی می‌شود زیرا همدیگر را یک کنشگر سیاسی غیرخودی در نظر می‌گیرند. هر یک از این دو کنشگر هدف اصلی تبلیغات رسانه‌های گروهی هستند که تلاش می‌کنند کشور دیگر را تهدیدی وجودی برای خود ترسیم کنند. هر چند سوابق قابل ملاحظه‌ای در همکاری و ائتلاف میان روسیه و بریتانیا -از جمله در جنگ‌های ناپلئونی و در جنگ جهانی- وجود دارد، با این حال همواره رقابت برای نفوذ در مناطق مختلف میان دو کشور برقرار بوده است. در واقع، روایت مسلط در روابط لندن و مسکو، الگوهای سیاسی مختلف در چارچوب بازی بزرگ و جنگ سرد است. از یک سو، بریتانیا در روسیه نخست به عنوان یک کنشگر امپریالیست و سپس یک دولت متخاصم سرمایه‌دار شناخته می‌شود. از سوی دیگر، روسیه در نگاه بریتانیا، یک رژیم استبدادی و سپس رژیم تمامیت‌خواه شناخته می‌شود و همان‌گونه که برنارد شاو^۱ در سال ۱۹۱۴ مطرح ساخت، روسیه دشمن هر گونه آزادی است که آنها به آن افتخار می‌کنند.

در پایان می‌توان چند دلیل را برای روابط نه چندان مناسب لندن و مسکو ذکر کرد. نخست، ناپایدار بودن روابط به این خاطر است که براساس منافع همگرا و یا ارزش‌های مشترک قابل توجهی پایه‌ریزی نشده است. دوم این روابط تحت تاثیر عوامل بیرون از کنترل دولت انگلیس شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ تأثیر منفی بر تفکر روسیه در مورد روابط با بریتانیا برجای گذاشت. همچنین اعطای پناهندگی به برخی اتباع روس توسط دادگاه‌های بریتانیا، تهاجمی شدن روسیه از اواخر سال ۲۰۰۳، افزایش تنش در روابط آمریکا و روسیه و یا انقلاب‌های رنگی در محیط پیرامونی روسیه موجب دور شدن دو کشور از یکدیگر شده است. سوم، پندار رهبران روسیه مبنی بر اینکه بریتانیا کشوری همتراز با روسیه نیست، موجب دور شدن لندن و مسکو از یکدیگر شده است زیرا روسیه همواره خود را یک قدرت بزرگ و همسنگ با چین و آمریکا می‌داند که در کانون جهان چند قطبی یا چندمرکزی قرار دارد. از دید مسکو، لندن از چنین جایگاهی برخوردار نیست. از نظر مقام‌های روسی، بریتانیا دارای توانمندی‌های لازم برای اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل نیست و در سطح دوم نظام جهانی قرار دارد.

^۱. Bernard Shaw

منابع و ماخذ

- Allan, Duncn (2017), "Brexit Makes it Even More Difficult for the UK to Deal with Russia", December 13, *Chatham House*, Available at: <https://www.chathamhouse.org/expert/comment/brexit-makes-it-even-more-difficult-uk-deal-russia>, Accessed on: November 12, 2018.
- Allan, Duncan (2018), "Managed Confrontation, UK Policy Towards Russia After the Salisbury Attack", October, *Chatham House*, Available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2018-10-30-managed-confrontation-uk-russia-salisbury-allan-final.pdf>, Accessed on: December 3, 2018.
- CNN (2015), "Russia's Lavrov on Syria Targets: If it Looks like a Terrorist, Wars like a Terrorist", October 1, Available at: <https://edition.cnn.com/2015/10/01/middleeast/russia-syria/index.html>, Accessed on: December 4, 2018.
- Financial Times (2015), "To Russia with Love, from Europe's Far Right", March 22, Available at: <https://www.ft.com/content/556ed172-d0b9-11e4-982a-00144feab7de>, Accessed on: August 20, 2018.
- Foxall, Andrew (2015), "The Kremlin's Sleight of Hand: Russia's Soft Power Offensive in the UK", February, *The Henry Jackson Society*, Available at: <http://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/2015/02/The-Kremlins-Sleight-of-Hand.pdf>, Accessed on: September 11, 2018.
- Fraser, Simon (2018), "What Will Britain's Role be Now?", December 2017 & January, *The world Today*, Available at: <https://www.chathamhouse.org/publications/twt/what-will-britain-s-role-be-now>, Accessed on: September 12, 2018.
- Galeotti, Mark (2018), "Britain Has No Clue Why it's Punishing Russia", March 27, *Foreign Policy*, March 27, Available at: <https://foreignpolicy.com/2018/03/27/britain-has-no-clue-why-its-punishing-russia/>, Accessed on: December 1, 2018.
- German, Tracey (2017), "UK- Russia Relations and The Brexit Debate: Advancing Integration or Mutual Mistrust?" *Global Affairs*, Available at: <http://sci-hub.tw/https://doi.org/10.1080/23340460.2017.1286944>, Accessed on: September 19, 2018.
- Gromyko, Alexy (2017), "Brexit: the View from Russia", *Institute of Europe Russian Academy of Sciences*. April 2, Available at: <http://en.institutefoeurope.ru/images/uploads/analitika/wp29.pdf>, Accessed on: September 11, 2018.
- House of Commons Defence Committee (2016), "Russia: Implications for UK Defense and Security", First Report of Session 2016-17, July, Available at:

<https://publications.parliament.uk/pa/cm201617/cmselect/cmdfence/107/107.pdf>,
Accessed on: December 6, 2018.

-House of Commons Foreign Affairs Committee (2017), "The United Kingdom's Relations with Russia, Seventh Report of Session 2016- 2017, February 21, Available at:

<https://publications.parliament.uk/pa/cm201617/cmselect/cmfaff/120/120.pdf>,
Accessed on: December 11, 2018.

-Ilina, Anastia siia (2018), "Russia- UK Relations Present, Future", Available at: <https://www.foreignbrief.com/europe/russia-uk-relationship-past-present-future/>,
Accessed on: September 20, 2018.

-Guardian (2017), "May Hits out at US Threat to Climate Treaty", September 21, Available at:

<https://www.theguardian.com/environment/2017/may/30/paris-climate-deal-un-us-donald-trump>,
Accessed on: December 6, 2018.

-HM Government (2015), "Security Britain in an Age of Uncertainty", *The Strategic Defence and Security Review*, Available at:

https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/62482/strategic-defence-security-review.pdf,
Accessed on: September 28, 2018.

-Lain, Sarah (2017), "Russia- UK Relations Post Brexit: Opportunity or Dead End?", *Carnegie Moscow Center*, Available at:

<https://carnegie.ru/commentary/73386>, Accessed on: September 11, 2018.

-Major, Claudia and Von Ondarza, Nicolai (2018), "No Global Britain after Brexit", *Stiftung Wissen Schafft und Politic (SWP)*, June, Available at:

https://www.swp-berlin.org/fileadmin/contents/products/comments/2018C24_mjr_orz.pdf,
Accessed on: December 12, 2018.

-Mearsheimer, J. (2009). Reckless States and Realism. *International Relations* .

-Nixey, James (2016), "Russia's Silence Conceals a Preference for Brexit", June 7, *Chatham House*, June 7, Available at:

<https://www.chathamhouse.org/expert/comment/russias-silence-conceals-preference-brexit>,
Accessed on: December 4, 2018.

-Paphiti, Anthony (2017), "Russia's Hybrid War and Its Implications for Defence and Security in the United Kingdom", *South African Journal of Military Studies*, Vol 44, No.2.

-Polyakora, Alina; Laruelle, Marlene; Meister, Stefan and Barnett, Neil (2016), "The Kremlin's Trojan Horses, Russian Influence in France, Germany and the United Kingdom", *Atlantic Council*, November, Available at:

http://www.atlanticcouncil.org/images/The_Kremlins_Trojan_Horses_2_web_11_21.pdf,
Accessed on: September 15, 2018.

-Russian Embassy in London (2018), Available at:

- www.rusemb.org.uk/economy/, Accessed on: December 2, 2018.
- Russia Today (2016), "Russia No Pariah, but Strategic to the West-British MP to RT", May 18, Available at:
<https://www.rt.com/news/343490-uk-kawczynski-russia-sanctions/>, Accessed on: November 11, 2018.
- Sakwa, Richard (2018), "Russo- British Relations in the Age of Brexit", *IFRI*, February, Available at:
https://www.ifri.org/sites/default/files/atoms/files/sakwa_russo_bristish_relations_2018.pdf, Accessed on: September 11, 2018.
- Telegraph (2015), "Russian Ambassador Praises Corbyn's Victory", September 21, Available at:
https://www.telegraph.co.uk/news/politics/Jeremy_Corbyn/11881100/Russian-ambassador-praises-Jeremy-Corbys-victory.html, Accessed on: December 10, 2018.
- Telesheva, Irina and Denisova, Irina (2015), "The Evolution of the Russian Image in the English Discourse", *Social and Behavioral Sciences*.
- Transparency International (2015), "Gold Rush: Investment Visas and Corrupt Capital Flow into the UK", Available at:
<https://transparency.eu/wp-content/uploads/2018/02/Golden-Visas-TI-UK-Gold-Rush.pdf>, Accessed on: November 6, 2018.
- UK Government Web Archive (2016), "The Litvinenko Enquiry: Report in to the Death of Alexander Litvinenko", January, Available at:
https://assets.publishing.service.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/493860/The-Litvinenko-Inquiry-H-C-695-web.pdf, Accessed on: December 11, 2018.
- UK Parliament (2017), "House of Commons, Public Administration and Constitutional Affairs Committee, Lessons Learned from the EU Referendum", April, Available at:
<https://www.parliament.uk/business/committees/committees-a-z/commons-select/public-administration-and-constitutional-affairs-committee/inquiries/parliament-2015/lessons-learned-from-the-eu-referendum-16-17/>, Accessed on: November 20, 2018.
- Waltz, Kenneth (2004), "Neorealism: Confusion and Criticism (Guest Essay)", *Journal of Politics & Society*, Volume XV.
- Wieclawski, Jacek (2011), "Contemporary Realism and the Foreign Policy of the Russian Federation", *International Journal of Business and Social Science*, Vol.2, No.1.